

## مهندسی اخلاق جامعه بر مبنای آموزه‌های نهج البلاغه\*

□ مرضیه محمص<sup>۱</sup>

### چکیده

اهتمام به فضایل به عنوان راهبردهایی اصیل در مسیر صعود مادی و معنوی بشر محسوب می‌شود و آرمان اخلاق‌مند کردن اعضای جامعه، از دغدغه‌های دیرین متفکران در حوزه اجتماعی دین بوده است. بازخوانی نهج البلاغه با هدف استخراج اندیشه‌های تأثیرگذار اخلاقی به مثابه راهنمای اخلاق اجتماعی مسلمانان هدف اصلی این نوشتار می‌باشد. امروزه تغییر الگوهای جدید زندگی اجتماعی و بروز مشکلات متعدد در حوزه اخلاق اجتماعی، زمینه اهمیت فزون‌تر به این مقوله را فراهم آورده است. در این بررسی، از رهگذر استقصای آموزه‌های علوی در مجموعه گران‌سنگ نهج البلاغه، ابتدا نگره حضرت نسبت به «اخلاق» و «اجتماع» مورد مذاقه قرار گرفته و سپس پر بسامدترین مصادیق ارزش‌های اخلاقی در حوزه اجتماع، استخراج و تبیین شده است. راست‌گویی، خویش‌داری، بخشندگی، آینده‌نگری، شکیبایی و حقوق‌مداری از مهم‌ترین خصوصیات اخلاقی به شمار می‌آیند که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است. واژگان کلیدی: ارزش‌های اخلاقی، اجتماع، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

## بیان مسأله

مطالعه پیشینه جوامع بشری گویای این امر است که وضع قوانین حقوقی در اجتماع بدون برخورداری از پشتوانه اخلاقی نمی‌تواند ضامن پیشرفت و سعادت یابی افراد باشد. از دیگر سو تاریخ دانش بشری، تبدیل پراکندگی‌ها به انسجام و انتظام را یکی از وجوه شکلی بلوغ اندیشه‌ها برشمرده است. امروزه این سیر در بسیاری از منابع اصیل آموزه‌های وحیانی (قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام) نیز تحقق یافته و تدوین موضوعی مباحث مطرح شده در این میراث گرانسنگ در قالب‌های متعدد و رویکردهای متنوعی سامان یافته است. در این میان آموزه‌های علوی به عنوان یکی از تجلی‌گاه‌های بی‌بدیل مکتب اسلام، قابلیت ارائه برنامه جامع و سعادت‌مندانه زندگی بشر را اثبات نموده است.

آرمان اخلاق‌مند کردن اعضای جامعه پیش از آن که به عنوان دغدغه‌ای مشترک میان متفکران اعصار مختلف مطرح گردد، همواره در کتب و اسناد دینی اسلامی به انحای گوناگون مورد توجه بوده و می‌توان اذعان داشت که از ارکان بنیادین در حوزه اجتماعی دین محسوب شده است (آهنگری، ۱۳۸۶، ۱۲). در این ساختار ارزش‌های اخلاقی ریشه در فطرت انسان دارد و از آنجا که فطرت در همه انسان‌ها مشترک است، ارزش‌های اخلاقی نیز در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسان می‌باشد. وجه تمایز این نظام بر دیگر نظام‌های اخلاقی برون دینی، توجه خاص بر دو بعدی بودن ساحت وجودی انسان و تنظیم هماهنگ نیازهای فردی و اجتماعی او است.

با توجه به چندگانگی مفهوم اخلاق، شایان ذکر است در پژوهش حاضر قلمرو اخلاق، اعم از فضیلت‌ها، منش‌ها، ملکات نفسانی و حوزه‌های رفتاری می‌باشد (ر.ک: نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۶-۲۷؛ ملاصدرا، بی‌تا، ج ۴، ۱۱۶-۱۱۷).

بنابراین در این نوشتار ضمن بررسی آموزه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کتاب شریف **نهج البلاغه**، صفات نفسانی خوب و رفتارهای پسندیده در حوزه

اجتماع، که بسامد بیشتری در کلام ایشان داشته مورد بازشناسی قرار می‌گیرد. اخلاق به عنوان مجموعه‌ای از ملکات و صفات، یکی از قلمروهای پویای زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. می‌توان گفت مجموعه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌ها که به تبیین کارکردها و سازماندهی اهداف در جهت نیل به کمال و سعادت انسان در حوزه اجتماع می‌گردد، نظام ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود. هر نظام اخلاقی دربردارنده اصول و قواعدی اساسی می‌باشد و بر مبنای دیدگاه خاصی که درباره مقوله‌هایی همچون خدا، انسان، جهان و جامعه ارائه داده، سامان می‌یابد. به طور کلی اخلاق اجتماعی به بررسی ارزش‌های اخلاق در حوزه رابطه انسان با انسان‌های دیگر می‌پردازد.

ارزش‌ها عاملی تأثیرگذار بر ثبات شخصیتی افراد و حیات اجتماعی می‌باشد و پای‌بندی به ارزش‌ها، عنصری تعالی بخش در تحول و دگرگونی جوامع محسوب می‌شوند؛ چرا که کیفیت زندگی و چگونگی مناسبات و روابط افراد با یکدیگر را شکل می‌دهد. ارزش‌ها اعتباراتی هستند که ملاک التزام و پای‌بندی افراد در مقام عمل می‌باشند و زیرساخت‌های مهم تربیت به شمار می‌آیند. «ارزش‌ها در حقیقت عبارتند از عمل‌گزینشی که آدمی در اوضاع مختلف زندگی به آن تکیه می‌کند و جهت‌گیری‌های اساسی و میل‌های عمیق و ریشه‌دار او و اشیایی که نزد او از احترام و تقدس بهره‌مند هستند را در بر می‌گیرد» (سیدی، ۱۳۷۸، ۶۲). «سعادت و سلامت جامعه در گرو تحقق انسانیت واقعی و انسانیت واقعی در گرو شناخت و عمل به ارزش‌های اصیل انسانی به ویژه ارزش‌های اخلاقی و دینی است» (رهنمایی، ۱۳۸۳، ۴۹-۵۰).

لازم به ذکر است اخلاق اجتماعی در کلام بزرگان عبارت است صفات و ملکاتی که در رابطه بشر با اجتماع مطرح می‌گردد، به طوری که اگر اجتماع وجود نداشته باشد آن صفات تحقق نمی‌پذیرد (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۲۳). به تعبیر دیگر همان کارهایی است که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹). بر این مبنا می‌توان گفت بایدها و نبایدهای

غیر الزامی، اعم از صفات نفسانی و افعالی که مربوط به روابط جمعی است، اخلاق اجتماعی نامیده می‌شود.

تغییر الگوهای جدید زندگی اجتماعی و بروز مشکلات متعدد در حوزه اخلاق اجتماعی، زمینه اهتمام فزون‌تر به این مقوله را فراهم نموده است. در عصر حاضر فراوانی انگیزه‌های فساد و انحراف، موضوعی قابل توجه می‌باشد و بشر ناگزیر است برای تحقق جامعه سالم و ایجاد تعادل روانی در افراد به حاکمیت اخلاق روی آورد.

بر این اساس پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهشی ذیل مد نظر قرار گرفته است:

- حضرت علی علیه السلام چه دیدگاهی نسبت به اجتماع انسانی داشته‌اند؟
- حضرت علی علیه السلام چه دیدگاهی نسبت به موضوع اخلاق داشته‌اند؟
- پر بسامدترین مصادیق اخلاق اجتماعی در آموزه‌های نهج البلاغه کدام است؟

شایان ذکر است تاکنون مقالاتی با عنوان‌هایی قریب به عنوان مقاله حاضر به چاپ رسیده است:

نویسنده مقاله «بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه» با تأکید بر اصالت فرد و جامعه در دیدگاه حضرت علی علیه السلام پرداخته شده و به اختصار بسترهای سیاسی و اقتصادی و برخی بسترهای اجتماعی همچون امر به معروف و نهی از منکر مورد اشاره قرار گرفته است؛ لذا مقاله فوق‌الذکر تفاوتی اساسی با محورهای مورد بحث در نوشتار حاضر دارد.

مقاله «جامعه مطلوب از دیدگاه امام امیر المومنین علی علیه السلام» با نگرشی به ابعاد سیاسی جامعه اسلامی، دو عنصر مردم و رهبری به عنوان منشأ شکل‌گیری نهادهای اجتماعی معرفی شده‌اند.

مقاله «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه» به ذکر چهار مبنای کرامت، آراستگی، ادای وظیفه و حُسن در تربیت اجتماعی اختصاص یافته

است.

بررسی مدقانه این مقالات گویای این امر است که اساساً پرسش‌ها و فرضیاتی کاملاً متفاوت مطرح نظر بوده و نوشتار حاضر در این عرصه دارای رویکردی نوآورانه است.

### اجتماع در نگره علوی

در منظومهٔ تعبیر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، اجتماع در برابر انفراد ظهور بارزی یافته است. ایشان می‌فرمایند: «وَأَلْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ» (خطبه ۱۲۷)؛ همراه جماعت بزرگ‌تر باشید، زیرا دست خدا با جماعت است.

کمیت عددی در تشکل‌های اجتماعی رنگ می‌بازد و عامل وحدت بخش در جوامع همان تألیف قلوب و مددکاری در مقام عمل است: «إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثْرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ قَلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ» (خطبه ۱۱۸)؛ مادامی که دل‌های شما از هم پراکنده است، سودی در بسیاری عدد شما نیست.

توجه به محیط اجتماعی در آموزه‌های علوی تا بدان جاست که از منظر ایشان نمی‌توان انسانی را که از اسباب رفاه برخوردار است، اما افراد پیرامون وی در رنجند، سعادت‌مند نامید «ما سعد من شقى اخوانه» (غررالحکم و درر الکلم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۳۸). به تعبیر دیگر غایت اخلاق، که سعادت‌یابی افراد است، موقوف بر سعادت اجتماع می‌باشد. البته محوری‌ترین ملاک سعادت‌مندی جوامع در این شاخه، ایمان به خداوند متعال است. حضرت فقدان ایمان در سطح اجتماع را نشانهٔ جاهلیت و شقاوت آنان می‌دانند (خطبه ۲).

از دیدگاه نهج البلاغه تناسب نیازهای انسان با زندگی اجتماعی سبب شده برای رفع نیازهای خویش و منافع حاصل از تعاملات اجتماعی، به اختیار این سبک از زندگی را بگزینند. ایشان می‌فرمایند: «و إياكم و الفرقة فان الشاذ من

الناس للشيطان كما أن الشاذ من الغنم للذئب» (خطبه ۱۲۷)؛ یکسو شده از مردم بهره شیطان است، چنان که گوسفند دور مانده از گله نصیب گرگ است. یکی از شارحان نهج البلاغه در این باره می‌نویسد: از آنجا که انسان مدنی بالطبع است و برای ادامه حیات، نیازهای فراوانی دارد و به تنهایی قادر به رفع تمامی احتیاجات خویش نیست، لازم است در قالب تقسیم کار به رفع نیازهای خویش نایل آید (هاشمی خویی، بی‌تا، ج ۲۰، ۱۹۷؛ نیز ر.ک: عبده، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ۱۴۶-۱۴۷). براین اساس قرارگیری هر انسانی در جایگاهی ویژه، به سبب نظام حکیمانه الهی و در جهت تشکیل و قوام یافتن زندگی اجتماعی صورت گرفته است.

امام علی علیه السلام تعریفی فرازمانی و فرامکانی از اعضای یک اجتماع ارائه داده‌اند، به نحوی که از منظر ایشان افراد یک جامعه، کسانی هستند که به آراء و نظرات واحدی پای‌بند می‌باشند، هر چند در یک زمان و یک مکان به سر نبرند (حکمت ۱۴۶).

ایشان در خطبه ۱۶۶ با طرح مسؤولیت‌های اجتماعی، انواع انزوای طلبی و بی‌تفاوتی به اجتماع را مطرود نموده؛ همچنین در فرازهایی از نامه ۳۱ خطاب به امام حسن علیه السلام انواع طرق حفظ پیوندهای سالم اجتماعی را متذکر شده‌اند. رابطه انسان و اجتماع در نهج البلاغه به انحای مختلفی مطرح شده است. امام علیه السلام حتی در توصیف تقوا خطاب به رهروان (خطبه همام)، به ذکر اوصافی می‌پردازند که مظاهر آن در روابط اجتماعی جلوه‌گر شده است. ایشان پرهیزکاران را چنین وصف می‌کنند: «ستم کار خود را عفو می‌کند، به آن که محرومش ساخته می‌بخشد، به آن کس که با او بریده می‌پیوندد، از سخن زشت دور، و گفتارش نرم، بدی‌های او پنهان و کار نیکش آشکار است. نیکی‌های او به همه رسیده، آزار او به کسی نمی‌رسد، آنچه را به او سپرده‌اند ضایع نمی‌سازد، و آنچه را به او تذکر داده‌اند فراموش نمی‌کند. مردم را با لقب‌های زشت نمی‌خواند، همسایگان را آزار نمی‌رساند، در مصیبت‌های

دیگران شاد نمی‌شود (خطبه ۱۸۴).

به عقیده یکی از پژوهشگران عباراتی از نهج البلاغه که دعوت کننده افراد به گوشه‌نشینی و دوری از اجتماع می‌باشد، صرفاً دلالت بر لزوم جدایی از افکار و روحيات حاکم بر جوامع فاسد و گنهکار و بعضاً اجتناب از خودنمایی و ریاکاری دارد و حکمی مشروط به شرایط خاص اجتماعی دانسته‌اند (ر.ک: برزگر، ۱۳۷۲، ۲۵۰).

### اخلاق در نگره علوی

به استناد سیره نویسان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام خود کامل‌ترین تجلی مکارم اخلاق در اجتماع خویش بودند که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به سبب اتمام و ابلاغ آن مبعوث گردیدند. ایشان در کلامی بدین موضوع مباحث کرده، می‌فرمایند: «مگر من آن شخص نیستم که در بین شما بر طبق قوانین قرآن کریم رفتار کرده‌ام و این بار گران را به جان پذیرفته‌ام و سبک‌تر و آسان‌تر از آن بار گران‌بهای عترت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در میان شما به جای نهادم، پرچم ایمان را در بین شما کوفتم و آن را برافراشتم و بر حلال‌ها و حرام‌ها آگاهتان ساختم، از عدل خویش لباس سلامت بر شما پوشانیدم، با گفتار و کردار خود فرش سعادت را گستردم و اخلاق پسندیده خود را برای شما آشکار کردم» (خطبه ۸۶).

علی‌رغم بدهت این اصل، استخراج بیاناتی از ایشان که به طور خاص بدین موضوع اختصاص یافته مزید فایده است.

اشاره به خلقت مستمر، ربوبیت گسترده و احاطه فراگیر خداوند در فرازهای متعددی از نهج البلاغه، اذهان جستجوگر را به افاضه هدایت تکوینی و تشریحی انسان فراسوی اسباب نیل به سعادت و کمال رهنمون می‌سازد. بدون تردید آراسته شدن به ارزش‌های اخلاقی از ملزومات قطعی جهت گام نهادن در طریق کمال انسانی به شمار می‌آید.

حضرت هیچ میراثی را کارآمدتر و ره‌گشایتر از ادب نمی‌دانند و می‌فرمایند: «لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ» (کلمات قصار ۵۱). لذا خوش اخلاقی را عاملی تعیین‌کننده در سنجش شخصیت افراد جهت برقراری روابط دوستانه می‌دانند و در سفارشی خطاب به فرزند ارشدشان امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «أَكْرَمَ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّنَافِهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ» (کلمات قصار ۳۷)؛ گرامی‌ترین بزرگی‌ها خوش‌خویی است، سخت‌پرهیز از دوستی کردن با نادان که او به اراده سود رساندن به زیانت درافکند، و پرهیز از دوستی کردن با بخیل که او به هنگام نیازمندی خویش را از تو کنار می‌کشد، و از دوستی کردن با گنهکار که او تو را به بهای پست و ناچیزی فروختن خواهد و از دوستی کردن با مرد دروغگو که او همچون سرابی است که آب نماید و دور را بر تو نزدیک و نزدیک را از تو دور می‌سازد.

امام علیه السلام همواره افراد را نسبت به انحطاط اخلاقی هشدار می‌دادند: «إِيَّاكُمْ وَ تَهْزِيعَ الْأَخْلَاقِ وَ تَصْرِيْفَهَا» (خطبه ۱۷۵). چرا که این امر را مسبب بروز اختلافات اجتماعی برمی‌شمردند «مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ» (خطبه ۱۱۲). در این کلام، تمامی مصادیق انحطاط اخلاقی، موضوعاتی است که در تعاملات اجتماعی ظهور و بروز می‌یابد. ایشان می‌فرمایند شما از یاری کردن به یکدیگر لذت نمی‌برید و اصلاً به این کار رغبتی نشان نمی‌دهید. باری از روی دوش رفیق خویش بر نمی‌دارید، به آنهایی که شما را پند می‌دهند و اندرز می‌کنند، گوش نمی‌سپارید، در حق یکدیگر بخشش و عفو، روا نمی‌دارید، با یکدیگر مهربان نیستید (همان).

امیرالمؤمنین علیه السلام در ترسیم نشانه‌های سعادت‌مندان نیز به موارد متعددی از



خصوصیات اخلاق اجتماعی اشاره می‌نمایند و می‌فرمایند: «طَوْبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ وَ طَابَ كَسْبُهُ وَ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ» (کلمات قصار ۱۱۸)؛ خوشا به حال کسی که نفس را به فروتنی وادارد، و کسبش پاک و شایسته و نیتش پسندیده و خلق و خویش نیکو باشد. زیادی مالش را انفاق کند و سرکشی زبانش را مهار نماید و شر خود را از مردم دور دارد.

شایان توجه است ایشان با ارائه قاعده‌ای ثابت و معیاری روشن در تمامی معاشرت‌های اجتماعی، مسیر اخلاق اسلامی را فراروی تمامی پیروان تعیین می‌نمایند و می‌فرمایند:

«نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند. ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکوکار باش، آن گونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی. آنچه نمی‌دانی نگو، گرچه آنچه را می‌دانی اندک است، آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو» (نامه ۳۱).

### مصادیق اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه

نهج البلاغه پس از قرآن کریم، گران‌قدرترین میراث فرهنگی اسلام است. مجموعه‌ای که دربردارنده والاترین آموزه‌ها جهت هدایت فردی و اجتماعی بشر می‌باشد. این منشور انسان سازی نه تنها راه روشن بلاغت بلکه راه روشن هدایت می‌باشد (سید رضی، ۱۳۸۷، ۳۶).

از بررسی دقیق افق ارزش‌های این کتاب جاودان چنین برداشت می‌شود که موارد ذیل به عنوان پر بسامدترین مصادیق اخلاق اجتماعی شایان توجه وافر در

عرصه عمل می‌باشد:

## ۱. راستگویی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام راست‌گویی را رمز بالندگی و نجات‌یابی معرفی می‌نمایند و چنین سفارش می‌کنند: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ الصَّادِقِ عَلَى شَفَا مَنْجَاةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٌ» (خطبه ۸۵)؛ از دروغ بر کنار باشید که با ایمان فاصله دارد، راست‌گو در راه نجات و بزرگواری است، اما دروغ‌گو بر لب پرتگاه هلاک و خواری است.

ایشان در توصیف یکی از نشانه‌هایی که دلالت بر ایمان راستین یک مسلمان در عرصه تعاملات اجتماعی دارد، می‌فرمایند: «عَلَامَةُ الْإِيمَانِ الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْثَرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَ الْأَيُّ يَكُونُ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عِلْمِكَ عَمَلِكَ وَ أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ» (کلمات قصار ۴۵۰)؛ نشانه ایمان آن است که راست‌بگویی، آن‌گاه که تو را زیان رساند، و دروغ‌نگویی که تو را سود رساند و آن‌که بیش از مقدار عمل سخن‌نگویی، و چون از دیگران سخن‌گویی از خدا بترسی.

ایشان در تعبیری دیگر وفاداری و پای‌بندی به تعهدات را به عنوان نتیجه اتخاذ رویه صادقانه در تعاملات میان فردی یاد نموده، می‌فرماید: «ای مردم وفا همراه راستی است، که سپری محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم، آن‌کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد خیانت و نیرنگ ندارد، اما امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ‌را، زیرکی می‌پندارند، و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می‌خوانند» (خطبه ۴۱).

حضرت بر لزوم پیوندهای اجتماعی با راست‌گویان تأکید نموده و می‌فرمایند: «الصِّقُّ بِالْأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصِّدْقُ» (نامه ۵۳)؛ تا می‌توانی با پرهیزکاران و راست‌گویان پیوند.

از منظر امام علی علیه السلام یکی از ثمرات التزام به اتخاذ مواضع صادقانه در عرصه اجتماع، برخورداری از امدادهای غیبی است. ایشان می‌فرماید: «پس آن گاه که خدا، راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل و پیروزی را به ما عنایت فرمود» (خطبه ۵۵).

امام در تعبیری به صراحت راه حل تمامی دشواری‌ها و بحران‌های اجتماعی را در اقبال صادقانه به ساحت قدسی الهی برمی‌شمرند و سوگند یاد می‌کنند: «به خدا سوگند هرگز ملتی از ناز و نعمت زندگی گرفته نشدند، مگر به کیفر گناهانی که انجام داده‌اند، زیرا خداوند بر بندگان خود ستم روا نمی‌دارد، اگر مردم به هنگام نزول بلاها، و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیشگاه خدا زاری کنند، و با قلب‌های پر از محبت از خداوند درخواست عفو نمایند، آنچه از دستشان رفته بازخواهد گشت، و هرگونه فسادی اصلاح خواهد شد» (خطبه ۱۷۷).

## ۲. خویشتن داری

خویشتن داری یا تسلط بر نفس از طغیان و مهار خشم در فرهنگ اصطلاحات نهج البلاغه با واژه «حلم» تداعی می‌گردد. بروز این خصیصه اخلاقی در اجتماع به صورت وقار، پرهیز از شتاب‌زدگی و ثبات رفتاری تجلی می‌یابد. توجه امام علی علیه السلام بدین موضوع تا جایی است که از آن با عنوان پیش درآمد بلندهمت‌ی یاد نموده (کلمات قصار ۴۵۲) و می‌فرماید هیچ عزتی همتای آن نیست (کلمات قصار ۱۱۳) و هر فردی متصف بدان گردد در ساحت اجتماع همواره با خوش‌نامی زندگی می‌کند (همان، ۳۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از نامه‌ها پیش از آن که مخاطب را سفارش به زندگی در شهرهای بزرگ و گروه‌های اجتماعی نمایند می‌فرماید: «خشم را فرو نشان، و به هنگام قدرت ببخش، و به هنگام خشم خویشتن‌دار باش، و مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی، نعمت‌هایی که خدا به تو بخشیده

نیکودار، و نعمت‌هایی که در اختیار داری تباه مکن، و چنان باش که خدا آثار نعمت‌های خود را در تو آشکارا بنگرد» (نامه ۶۹).

ایشان خویشان داری را از جمله بارزترین خصوصیات پروا پیشگان در عرصه اجتماع می‌دانند و می‌فرمایند: «أَمَّا النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أُبْرَارُ اتَّقِيَاءُ» (خطبه ۱۹۳)؛ پرهیزکاران در روز دانشمندی خویشان دار و نیکوکارانی باتقوا هستند.

در نگره حضرت خویشان داری یکی از مظاهر خیر محسوب می‌گردد. ایشان در پاسخ فردی که در جستجوی مصداق خیر بود، فرمودند: «إِلَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ وَ وُلْدُكَ وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثَرَ عِلْمُكَ وَ أَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَ أَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ» (کلمات قصار ۹۱)؛ خوبی آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود، بلکه خیر آن است که دانش تو فراوان، و خویشان داری تو افزون‌تر شود و به سبب پرستش پروردگار در میان مردم سرفراز باشی.

جایگاه منیع خویشان داری در میان دیگر خلیقات اجتماعی سبب شده حتی تظاهر بدین صفت، امری پسندیده تلقی گردد. ایشان می‌فرمایند: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» (کلمات قصار ۲۰۷)؛ اگر خویشان دار نیستی خود را به خویشان داری وادار، زیرا کم‌تر کسی خویشان را به گروهی مانند نمود که از آنان نشد.

ایشان در فرازهایی به ثمرات اجتماعی تخلق به این ارزش اخلاقی اشاره داشته و می‌فرمایند: «أَوَّلُ عَوْضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنْ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ» (کلمات قصار ۱۹۷)؛ نخستین پاداش خویشان دار از خویشان داری خویش آن است که مردمان در برابر نادانان یاوران او گردند.

از منظر ایشان افراد خویشان دار از مقبولیت اجتماعی بسیاری برخوردارند. عبارت دیگری در نهج البلاغه مؤید این معناست: «الْمُونُ يَجِبُ السُّودُ وَ وَالسَّيْرَةُ الْعَادِلَةُ يُقْهَرُ الْمُنَاوِيُّ وَ بِالْحِلْمِ عَنِ السَّقِيهِ تَكْتُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ» (کلمات قصار ۲۱۵)؛

خویشتن‌داری در برابر بی‌خردی، یاران انسان را زیاد می‌کند.

### ۳. بخشندگی

(۵۲)

فرایند نزاع تمایلات عالی انسانی و غرایز سرشتی در صحنه زندگی اجتماعی بشر، اغلب منجر به وقوع لغزش‌هایی می‌گردد. در چنین عرصه‌ای روحیه بخشش یکی از مکارم اخلاقی قابل ستایش نسبت به برخی لغزش‌ها محسوب می‌گردد. این خوی پسندیده، پرتوی از احساسات انسان دوستانه را در دل‌ها ایجاد می‌کند و دشمنی‌ها را می‌زداید. این موضوع نه تنها در آموزه‌های دینی مورد توجه قرار گرفته، بلکه به عنوان متغیری مهم و اثرگذار بر سلامت روانی افراد در اجتماع، تحقیقات و مطالعات متعددی در عرصه علوم زیستی و اجتماعی را به خود اختصاص داده و طرح مدون مفهوم بخشش از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز گشت. از این منظر، فرایند بخشش نوعی مهربانی غیرقابل استحقاق و ملایمت نسبت به فرد خاطی است و در تسکین هیجان منفی، افزایش اعتماد به نفس و کاهش خشم و اضطراب نقش بسزایی ایفا می‌نماید و از بروز رفتارهای ناسازگارانه اجتماعی پیش‌گیری کرده و به ارتقای سلامت اجتماعی منجر خواهد شد (Worthington El. 1997).

این امر در حالی است که فرهنگ دینی از قرن‌ها پیش، بخشش را به عنوان یکی از مکارم اخلاقی در روابط میان فردی معرفی نموده است. گزارش بخشش و مدارای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ با خطاکاران در فرازهای متعددی از نهج‌البلاغه ذکر شده است (ر.ک: نامه ۲۳ و ۲۹).

سفارش ایشان نسبت به اتخاذ این سیره در برخوردهای اجتماعی نیز قابل توجه است: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ» (کلمات قصار ۱۰)؛ هرگاه بر دشمنت پیروز شدی به شکرانه پیروزی او را ببخش. در فرازی مشابه حضرت عفو را زکات ظفرمندی نامیده‌اند (کلمات قصار ۲۰۲). بخشش در شرایط وجود امکان مقابله به مثل در نهج‌البلاغه از جمله

اخلاق پسندیده اجتماعی محسوب شده است.

حضرت می‌فرماید: «أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ» (کلمات قصار ۴۹)؛ سزاوارترین مردم به گذشت، تواناترین آنان به مجازات است. شایان ذکر است سفارش حضرت به عفو و بخشش تا بدان جاست که مرزهای عدالت ورزی و انصاف مخدوش نگردد (کلمات قصار ۴۲۹). ایشان در زمینه بخشش مالی نیز اعطای مال به غیر مستحق را از مصادیق اسراف و تبذیر برمی‌شمرند (خطبه ۱۲۶).

#### ۴. آینده‌نگری

در بعضی کتب لغت از آینده‌نگری، استواراندیشی و اندیشه‌ورزی منسجم نسبت به امری با عنوان حزم یاد شده است. حزم در لغت به معنای محکم بستن و جمع کردن است (احمد بن فارس، بی‌تا، ج ۲، ۵۳). در یکی از جملات منسوب به امام علی علیه السلام، غفلت نکردن از تلاش به منظور آمادگی برای حوادث آینده را از جمله خصوصیات افراد دوران‌دانش دانسته‌اند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ۳۴۳). بنابراین آینده‌نگر به پیش‌بینی پیامد رفتارهای خود می‌پردازد و بر آن اساس زندگی اجتماعی خویش را سامان می‌دهد.

#### ۵. شکیبایی

مفهوم شکیبایی در اصطلاح علمای اخلاق به ثبات، آرامش نفس و پایداری در سختی‌ها و صبر تعبیر شده است (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۴، ۳۵۵). این خصوصیت اخلاقی در عرصه اجتماع منجر به سازگاری، بهزیستی و شکوفایی استعدادها و فردی می‌گردد (میلانی‌فر، ۱۶). مقاومت در برابر ناملایمات اجتماعی به عنوان یکی از ارکان بنیادین ایمان برشمرده شده است (کلمات قصار ۳۰). ایشان می‌فرماید: «وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ» (کلمات قصار ۷۹)؛ بر شما باد

به شکیبایی، زیرا شکیبایی نسبت به ایمان چون سر است نسبت به بدن، در بدنی که سر نباشد، خیری نیست. همچنین است در ایمانی که با شکیبایی توأم نباشد. بررسی حوزه معنایی شکیبایی در نهج البلاغه گویای این امر است که میان مفهوم شکیبایی با صلابت و استقامت پیوندی وثیق وجود دارد. به عبارت دیگر شکیبایی در کلام امام علی<sup>علیه السلام</sup> هرگز به معنای استیلاهی روحیه انفعالی در برخوردهای اجتماعی نیست، بلکه مقاومتی مقطعی با هدف نیل به اهداف کلان است. حضرت می‌فرماید: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ عَضٌّ عَلَيَّ نَاجِدِكَ أَعْرَ اللَّهُ جُمُجُمَتَكَ تَدْفِي فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ أَرْمُ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غَضٌّ بَصْرَكَ وَ أَعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (خطبه ۱۱)؛ اگر کوه‌ها از جای کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم بپوش، و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است.

## ۶. حقوق مداری

شناخت حقوق و توجه به حقوق متقابل و محور قرارگرفتن حقوق در زندگی، بنیان حیات سعادت‌مندانه است. بسیاری از رفتارهای غیر اخلاقی و عدالت‌گریزانه ناشی از ناآگاهی از حقوق خود و دیگران و عدم پای‌بندی بدان‌ها می‌باشد. بنابراین حقوق مداری عاملی بسیار مهم در اصلاح رفتارها و کردارهاست. حقوق مداری بدین معناست که محور و اساس مناسبات اجتماعی بر پای‌بندی به حقوق قرار گیرد و همه امور تابع حقوق متقابل گردد. امیر مؤمنان علی<sup>علیه السلام</sup> در دوران زمامداری خویش تلاش وافری در مطرح نمودن حقوق و پای‌بندی به آن مبذول نمودند.

«جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقاً افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَيَّ بَعْضٌ فَجَعَلَهَا تَتَكَافَأُ فِي وُجُوهِهَا وَ يُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضاً وَ لَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ» (خطبه)

۲۰۷؛ پس خدای سبحان برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرد، و آن حقوق را در برابر هم گذاشت، که برخی از حقوق برخی دیگر را واجب گرداند، و حقی بر کسی واجب نمی‌شود، مگر همانند آن را انجام دهد. بنابراین به هیچ وجه حقوق یک طرفه متصور نیست و کسی را بر دیگران حقی نیست، مگر آن که دیگران را نیز بر او حقی باشد. در این میان مهم‌ترین و اثرگذارترین حقوق دو طرفه، حق زمامدار و مردم است. ایشان ثمره‌نهایی پای‌بندی هر یک از دو طرف به حقوق خویش را اصلاح امور داخلی و خارجی اجتماع معرفی می‌نمایند: «و در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد، و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر، و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درست‌کاری رعیت و آن گاه که مردم حق رهبری را ادا کنند، و زمامدار حق مردم را پیردازد، حق در آن جامعه عزت یابد، و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت بر قرار، و سنت پیامبر ﷺ پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار، و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد، و راه گسترده سنت پیامبر ﷺ متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل، و بیماری‌های دل فراوان شود. مردم از این که حق بزرگی فراموش می‌شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند پس در آن زمان نیکان خوار، و بدان قدرت‌مند می‌شوند، و کیفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود» (همان).

به سبب تأثیر زایدالوصفی که حقوق‌مداری در تحقق عدالت و پیدایش الفت و زمینه‌سازی برای برقراری اخلاقیات و روابط درست انسانی داراست، حضرت به همگان چنین سفارش می‌نمایند: «پس بر شماست که یکدیگر را



نصیحت کنید، و نیکو همکاری نمایید. درست است که هیچ کس نمی‌تواند حق اطاعت خداوندی را چنان که باید بگذارد، هر چند در به دست آوردن رضای خدا حریص باشد، و در کار بندگی تلاش فراوان نماید، لکن باید به مقدار توان، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن، و برپاداشتن حق، و یاری دادن به یکدیگر است، هیچ کس هر چند قدر او در حق بزرگ، و ارزش او در دین بیشتر باشد، بی‌نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند، و هیچ کس گرچه مردم او را خوار شمارند و در دیده‌ها بی‌ارزش باشد، کوچک‌تر از آن نیست که کسی را در انجام حق یاری کند، یا دیگری به یاری او برخیزد» (همان).

### نتیجه گیری

از بررسی مفاهیم مندرج در کتاب شریف نهج البلاغه می‌توان چنین استنتاج کرد که نهج البلاغه نه تنها کتابی در اوج بلاغت، بلکه مجموعه‌ای مشحون از گوهرهای اخلاقی در عرصه اجتماع است.

امام علی علیه السلام با ارائه تعریفی فرا زمانی و فرا مکانی از اعضای یک اجتماع، تمامی افرادی را که به آراء و نظریات واحدی پای‌بند می‌باشند، اعضای یک جامعه محسوب می‌نمایند و ضمن طرح لزوم توجه به مسؤولیت‌های اجتماعی، انواع انزوایی و بی‌تفاوتی به اجتماع را مطرود نموده‌اند. لذا عباراتی از نهج البلاغه که دعوت‌کننده افراد به گوشه نشینی و دوری از اجتماع می‌باشد، صرفاً دلالت بر لزوم جدایی از افکار و روحیات حاکم بر جوامع فاسد و گنهکار و بعضاً اجتناب از خودنمایی و ریاکاری دارد و حکمی مشروط به شرایط خاص اجتماعی می‌باشد.

امام علیه السلام همواره افراد را نسبت به انحطاط اخلاقی هشدار می‌دادند؛ چرا که این امر را مسبب بروز اختلافات اجتماعی برمی‌شمردند. شایان توجه است ایشان با ارائه قاعده‌ای ثابت و معیاری روشن در تمامی معاشرت‌های اجتماعی،

مسیر اخلاق اسلامی را فراروی تمامی پیروان تعیین می‌نمایند. پر بسامدترین مصادیق ارزش‌های اخلاقی در حوزه اجتماع با استناد به نهج البلاغه - میراث گرانقدر علوی - راست‌گویی، خویشتن‌داری، بخشندگی، آینده‌نگری، شکیبایی و حقوق‌مداری می‌باشد و بایسته است در حوزه‌های مختلف اجتماعی مورد توجه فزون‌تر قرار گیرد.

### منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید (۱۳۸۷)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث.
۲. احمد بن فارس (بی‌تا)، معجم مقاییس اللغة، مصر، بی‌جا.
۳. آهنگری، فرشته (۱۳۸۶)، پیشینه و بنیادهای اخلاق در ایران و جهان، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۳ و ۴.
۴. برزگر، ولی‌الله (۱۳۷۲)، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، سازمان تبلیغات اسلامی.
۵. التیمی الآمدی، عبد الواحد (۱۴۰۷ق)، غرر الحکم و درر الکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶. جزایری، سید محمد علی (۱۳۸۲)، دروس اخلاق اسلامی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۷. رهنمایی، احمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۸. سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین الموسوی (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب اللبانی.
۹. سیدی، سید حسین (۱۳۸۷)، بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، تهران، آستان قدس رضوی.
۱۰. عبده، حسن الزیات (۱۴۰۱ق)، الاغراض الاجتماعیه فی نهج البلاغه، دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ پنجم.
۱۲. ملاصدرا (بی‌تا)، الاسفار الاربعه، قم، مکتبه المصطفی.
۱۳. میلانی‌فر، بهروز (۱۳۸۶)، بهداشت روانی، تهران، نشر قومس.
۱۴. نراقی، ملا مهدی (۱۳۷۷)، علم اخلاق اسلامی، ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی، نشر حکمت.

۱۵. نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳)، *جامع السعادات*، قم، اسماعیلیان.
۱۶. هاشمی خویی، حبیب الله (بی تا)، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تهران، المكتبه الاسلامیه.

17. Worthington El. (1997) *Dimension of forgiveness: psychological research and theoretical perspective*: Templeton foundation press.